عمر بن خطاب رضی الله عنه در روز جمعه بر روی منبر سوره ی نحل را خواند؛ و چون آیه ی شامل سجده ی تلاوت را خواند، سجده کرد و مردم نیز سجده کردند.

از ربیعه بن عبدالله بن هُدَیْر تَیمی روایت است که عمر بن خطاب رضی الله عنه در روز جمعه بر روی منبر سوره ی نحل را خواند؛ و چون آیه ی شامل سجده ی تلاوت را قرائت نمود، از منبر پایین آمد و سجده کرد و مردم نیز سجده کردند؛ در جمعه ی بعدی نیز سوره ی نحل را به همراه آیه ی شامل سجده ی تلاوت خواند و بعد از آن فرمود: ای مردم، ما از آیاتی می گذریم که شامل سجده ی تلاوت هستند، بنابراین هرکس سجده کند کار درستی انجام داده است و هرکس سجده نکند گناهی بر او نیست؛ و عمر رضی الله عنه سجده نکرد. و در روایتی آمده است: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَفْرِضِ السُّجُودَ إِلَّا أَنْ نَشَاءَ»: «الله متعال سجده ی تلاوت را فرض نکرده است مگر اینکه ما بخواهیم (آن را انجام دهیم)».

[صحیح است] [به روایت بخاری]

عمر بن خطاب رضی الله عنه در روز جمعه بر روی منبر سوره ی نحل را می خواند و چون به آیه ای می رسد که شامل سجده ی تلاوت است، آن را می خواند: «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ * يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» [نحل: 49-50] «و هر چه در آسمان ها و زمین است، [همگی] برای الله سجده می آورند و گردنکشی نمی کنند. [ملائکه] از پروردگار خویش که [با ذات و غلبه و قدرتش] بالای آنان است می ترسند و آنچه را فرمان داده می شوند انجام می دهند». سپس از منبر پایین آمده و سجده می کند و مردم نیز همراه او سجده می کنند. در جمعه ی بعد، سوره ی نحل را می خواند و به همین آیه می رسد و آن را می خواند و مردم آماده ی سجده می شوند، اما عمر رضی الله عنه سجده نمی کند و آنها را از سجده کردن باز می دارد؛ چنانکه در روایت موطأ آمده است: «فَتَهَيَّأَ النَّاسُ لِلسُّجُودِ، فَقَالَ: عَلَى رَسْلِكُمْ. إِنَّ اللهَ لَمْ يَكْتُبْهَا عَلَيْنَا، إِلاَّ أَنْ نَشَاءَ. فَلَمْ يَسْجُدْ، وَمَنَعَهُمْ أَنْ يَسْجُدُوا»: «مردم برای سجده آماده شدند که عمر رضی الله عنه گفت: صبر کنید؛ الله متعال آن را بر ما فرض نکرده است مگر اینکه خود بخواهیم آن را انجام دهیم؛ بنابراین سجده نکرد و آنان را از سجده کردن بازداشت». یعنی آیاتی را می خوانیم که شامل سجده ی تلاوت هستند، هرکس با خواندن این آیات سجده کند، کار درستی انجام داده و طبق سنت عمل کرده است؛ و هرکس سجده نکند، گناهی بر او نیست. عمر رضی الله عنه سجده نمی کند تا به این ترتیب برای دیگران بیان کرده باشد که سجده ی تلاوت واجب نیست. و در روایتی آمده است: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَفْرِضِ السُّجُودَ إِلَّا أَنْ نَشَاءَ» یعنی الله متعال سجده ی تلاوت را بر ما واجب نکرده است و در این مورد مختار هستیم که سجده کنیم یا سجده نکنیم. و در روایتی آمده که عمر رضی الله عنه می گوید: «يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا لَمْ نُؤْمَرْ بِالسُّجُودِ»: «ای مردم، ما به سجده کردن امر نشدیم». بنابراین اثر مذکور از امیرالمومنین عمر و بیان آن در خطبه ی جمعه در برابر همه ی صحابه و عدم انکار آنها، دلیلی بر عدم وجود هرگونه معارضی برای آن می باشد. و در این صورت قول صحابی حجت است به ویژه اگر خلیفه ی راشد باشد که سزاوارتر به پیروی از سنت است و سخن وی در حضور همه ی صحابه بوده است که خود اجماع می باشد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/11242